

## بررسی طنز و شگردهای آن در آثار افسانه شعبان نژاد

مریم توکلی<sup>۱</sup>  
حمید رضایی<sup>۲</sup>

### چکیده

طنز بیانی است هنرمندانه که می تواند اشک را به لبخند، و غم را به شادی بدل کند. آن چه این بیان هنرمندانه را شکل می دهد، طرز بیان نویسنده با موضوع است که چگونگی کاربرد شیوه ها و شگردهای طنز از عوامل مهم و تأثیرگذار در آفرینش شعر طنز به حساب می آید. در این مقاله شگردهای طنز در شعر کودک و نوجوان افسانه شعبان نژاد جست و جو و به تحلیل آن ها پرداخته شده است. طنز در شعر شعبان نژاد مقوله ای پر اقبال است، در اینجا سعی بر آن است که به برخی از شگردهای طنز بپردازیم و ارتباط گیری بهتر با مخاطب به تنهایی می تواند دلیل موجهی برای استفاده از طنز باشد. بی شک تنها رمز موجود شاعرانگی طنز می باشد، که به واسطه مبهم بودنش بیش از حد سیال به نظر می رسد. در شعر طنز شعبان نژاد هدف به تجلی در آوردن شاعرانگی اوست پس همه ی عناصر تشبیه، موسیقی درونی، درون مایه، تشخیص، نماد گرایی، زاویه ی دید، به جای شکستن واژه ها و دنیای شعر کودکان، در مجموعه شعرهای یک کاسه شبنم، چتری از گلبرگ ها، زنبور و سیب قرمز، شیشه آواز، رنگین کمان کودکان، رنگ ارنگ بگو چه رنگ، جشن گنجشک ها و ... در خدمت این هدف هستند.

**کلید واژگان:** شعر کودک و نوجوان، افسانه شعبان نژاد، شگردهای طنز، تشبیه، دنیای شعر کودکان

### ۱. مقدمه

«ادبیات کودک عبارت است از هرگونه متنی که با چهارچوب و طرح مشخص بطور عمد یا غیر عمد برای کودک آفریده شده باشد. صورتی که کودک با آن ارتباط برقرار می کند و این رابطه منجر به برانگیختن احساسات، عواطف و پدید آمدن لذت زیبا شناختی شود و تأثیرات خاص روح و روانی روی کودک بگذارد و سبب شناخت او شود.» (محمدی، ۱۳۷۸، ص ۱۳).

ادبیات کودکان شامل قصه، شعر، نمایش، افسانه و داستان است. شعر کودک سخنی آهنگین است که با تکیه بر وجوه صوتی و موسیقایی کلمات و بهره گیری از وزن و قافیه و تکیه بر سادگی به زیبایی مضمون و معطوف و عنصر تخیل و ذوق زیبایی شناسی و موسیقایی کودک و غریزه ی بازی او پاسخ می دهد. در شعر کودک عناصر شعری را باید با احتیاط به کار برد تا حدی که به زیبایی کلام آسیب نرساند و پل ارتباطی را که شعر با کودک ایجاد کرده است، خراب نکند. کودکان در پی درگرگونی و دگردیدی مدام هستند. ادبیات نباید از این تغییر لحظه به لحظه واپس بماند و کندی و درجا زدگی و عقب ماندگی خود را از راه کلمه و تصویر به کودک تحمیل کند زیرا کودک مقاومت می کند و راه خود را می رود (پورالخاص، ۱۳۹۲، ص ۴۰).

رابین اسکاتلن، در مقاله «شعر، جادو و کودکی» می نویسد: «پیوند میان کودکی و شعر بسیار نیرومند است. بسیاری از شاعران متوجه می شوند که بار دیگر به روزهای کودکی و تجربه های آن دوران باز گشته اند. برخی از شاعران به گفته ی خود، احساس می کنند که اشعارشان دارای زمینه های ویژه ای است که بیش از هر چیز از خاطرات دوران کودکی آن ها مایه می گیرد. البته، این بدان معنا نیست که شاعران نسبت به روزهای کودکی خود، بیش از حد احساس دلتنگی می کنند. کودکی از آن جهت اهمیت دارد که قوه ی تخیل کودک، هنوز تحت سلطه ی عقل واقع نشده است. رابطه ی یک کودک با تجربه بسیار مستقیم تر و عاطفی تر از مردم بالغ است. دنیا برای

<sup>۱</sup> کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور

<sup>۲</sup> دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور

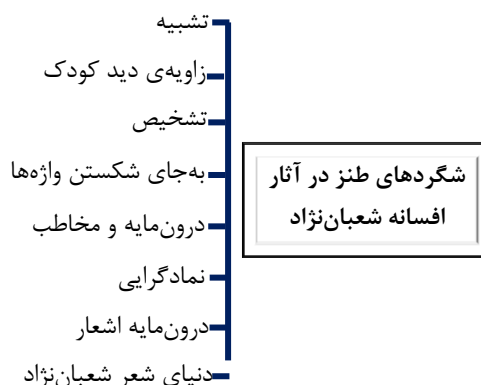
کودکان هنوز پر از شگفتی هاست. اشیا، تازه و سرشار از زندگی هستند ... یک کودک بسیار بیش از آن چه فکر می‌کنیم، می‌بیند.» (اسکتلن، ۱۳۷۵، ص ۱۳۷).

هر شاعری چه بخواهد برای کودکان شعر بسراید، چه نخواهد، ناگزیر است که با کودکی و کودکی خویش پیوندی ناگسستنی برقرار کند. شعر سرودن، خود تمرین دیدن و از نو دیدن و کشف کردن است. یک شاعر نیز درست مثل یک کودک، بسیار بیش از آن چه همه می‌بینند و فکر می‌کنند که می‌بینند، می‌بیند. اما یک شاعر کودک، با کودکی آن چنان پیوند می‌خورد که خود جزئی از آن می‌شود، چرا که او هم شاعر است و هم برای کودک می‌سراید. شعر نگاهی تازه و کودکانه می‌خواهد و کودک به شعری دل می‌بندد که از جنس دنیای او باشد. دنیای کودک سرشار از شگفتی‌های زندگی و خیال‌های رنگارنگ واقعی است. شعر گفتن برای کودکان، آن قدرها هم که به نظر می‌آید، ساده و پیش پا افتاده نیست، همانطور که هر شعر ساده و پیش پا افتاده‌ای شعر کودکانه نیست. این تلقی شاید از آن جا ناشی شود که نمونه‌هایی که به نام شعر کودک امروز کتاب فروشی‌ها و کتابخانه‌های ما را انباشته‌اند، کم نیستند. نمونه‌هایی پر از اشکالات وزنی و زبانی و کلامی که نه ربطی به دنیای خیال‌انگیز و خلاق کودکان دارند و نه از شعریت شعر و کشف‌های ناب شاعرانه بویی برده‌اند...

اما افسان شعبان نژاد از معدود شاعران کودکی است که هم شاعر است و هم کودک. او هم چون یک کودک، از دریچه‌ی شعر به هستی و دنیای پیرامونش نگاه می‌کند و هم چون یک شاعر، به هستی و جهان شعر خویش از دریچه‌ی چشم یک کودک می‌نگرد. او وقتی هم که برای خردسالان شعر می‌گوید، از زاویه‌ی دید یک خردسال به دنیا می‌نگرد و همان جور با جهان اطرافش رابطه می‌گیرد که یک خردسال می‌تواند تجربه کند و از آن لذت ببرد.

شاید رمز موفقیت شعبان نژاد هم در همین نکته باشد. او وقتی برای یک خردسال شعر می‌گوید، خود یک خردسال می‌شود، وقتی برای کودک شعر می‌گوید، یک کودک و وقتی برای یک نوجوان شعر می‌گوید، یک نوجوان. شعبان نژاد گرچه برای تمام گروه‌های سنی کودک و نوجوان شعر می‌سراید، موفق‌ترین شعرهایش همان‌هایی است که برای کودکان می‌گوید (صالحی، ۱۳۹۲، ص ۱۲۸-۱۲۹).

۲. بررسی طنز و شگردهای آن در آثار افسانه شعبان نژاد  
در مقاله‌ی حاضر هدف، بررسی شگردهای طنز در اشعار افسانه شعبان نژاد و بدست آوردن شگردهای نوینی است که شعبان نژاد در اشعار خود به کار برده است. مهم‌ترین شگردهای مورد استفاده شعبان نژاد در مجموعه اشعارش را می‌توان در قالب نمودار ۱ نشان داد.



## ۲-۱. تشبیه

تشبیه به عنوان یکی از قدرتمند ترین و وسیعترین ابزار کار شاعر، به معماری ویژه ای نیاز دارد که تنها از یک شاعر خوب برمی آید. تشبیهات بکار رفته در شعر کودک باید بدیع و نو، اما در محدوده خیال و تجربه گروه سنی او باشد. بدیهی است کودک در هر گروه سنی، ویژگیها و توانایی ها و محدودیت های متفاوتی دارد که این تفاوت ها در نوع و شکل تشبیهات موجود در اشعار متناسب با هر گروه سنی انعکاس می یابد (پورالخاص، ۱۳۹۲، ص ۴۰).

### ۲-۱-۱. تشبیه مفصل

به تشبیهی که وجه شبه در آن ذکر شده باشد تشبیه مفصل گویند. اشعاری که حاوی این نوع تشبیه باشند در مراحل نخست رویارویی با مقولهای به نام ادبیات و شعر می تواند تربیت ذهنی لازم را به وجود آورد. در گروه های سنی پایین، مشبه و مشبه به و وجه شبه همگی مانوس، نزدیک و کاملاً حسی هستند.

#### گروه سنی الف، (سال های قبل دبستان)

سگی باهوش و زرنگ      سگی مثل ببر و گرگ

مهربون و با وفا      قوی پنجه و بزرگ

(شعبان نژاد، ۱۳۸۶، ص ۱۷)

می بینیم که ذکر وجه شبه برای درک تشبیه در این گروه سنی ضروری به نظر می رسد. مهربون و با وفا بودن، قوی پنجه و بزرگ وجه هایی هستند که برای کودک گروه سنی الف ملموس هستند اگر دو پهنه از تشبیهات فوق را بدون ذکر وجه شبه در نظر بگیریم خواهیم دید، در عین حال که مشبه و مشبه به هر دو برای کودک ملموس و آشنا هستند، در کشف رابطه بین آنها اختلال ایجاد میشود. به همین منظور می توان گفت بار اصلی را در این تشبیهات وجه شبه های آنها بر دوش می کشد.

### ۲-۱-۲. تشبیه مجمل

به تشبیهی که وجه شبه در آن ذکر نشده باشد، تشبیه مجمل می گویند (شمیسا، ۱۳۷۹، ص ۶۸). می دانیم که لذت ادبی درگرو آن است که مخاطب در شعر و خیال انگیز بودن آن شریک باشد و بتواند به کشف و دریافت روابط میان اشیاء دست پیدا کند. اگر شاعر مجالی برای اندیشه ی مخاطب و خیال ورزی او در عرصه ی شعر در نظر گرفته باشد لذت ادبی مطالعه ی شعر فراوان تر می شود. یکی از این شگردهای شاعرانه حذف وجه شبه است. به این طریق مخاطب خود به دنبال این موضوع می رود که ادعای همانندی بین دو پدیده یا شیء از چه چیزی ناشی شده است. حال اگر مخاطب کودک باشد، این جریان باید با دقت و باریک بینی فراوانی انجام شود. زیرا ممکن است کودک نتواند ارتباط درستی با تصویر شعر برقرار کند. از سوی دیگر شعر به عنوان یک رسانه ی فرهنگی گسترده باید بتواند در ذهن کودک جای باز کند حال اگر در شعری از میان صور خیال، تشبیه مجمل به کار رود، زمینه برای تخیل کودک و تمرین و تربیت ذهنی او فراهم می شود تا خود به سوی کشف چرایی ارتباط مشبه و مشبهه برود که طبیعتاً در این فرآیند تخیل خلاق او رشد خواهد کرد (پورالخاص، ۱۳۹۲، ص ۴۵).

#### گروه الف، (سال های قبل دبستان)

سنگ، سنگ کوه      این کوه قد بلند منم

شبه کله قند منم      روی سرم بین چیه

کلاه نرم برفیه

(شعبان نژاد، ۱۳۸۶، ص ۲۱)

در تشبیه مجملی که در گروه سنی (الف) از سوی شاعر خلق شده، وجه شبه تنها شکل ظاهری مشبه و مشبهه بود. از آنجا که اولین گام در تداعی اشیاء در ذهن از سوی صورت‌هایی است که بر بینایی تکیه دارند. در این اثر شاعر گام اول برای تربیت ذهنی کودکان و کشف رابطه دو سویه تشبیه بر شکل ظاهری استوار است. همچنان که در مثال بالا به خوبی این امر مشاهده می‌شود.

### گروه ب، (سال‌های اول، دوم و سوم دبستان)

می شود فرغون کهنه  
توی دست انداز صحرا  
در خیالم مثل ماشین  
می رود بالا و پایین  
(شعبان نژاد، ۱۳۷۷، ص ۲۴)

در مثال بالا می‌بینیم که هنوز وجه شبه قرار گرفتن شکل ظاهری مد نظر شاعر است در این گروه سنی هم بخشی از شگردهای گروه (الف) وجود دارد و هم آرام آرام وارد حیطه دیگری در عرصه‌ی وجه شبه می‌شویم، یعنی با تشبیه فرغون به ماشین، کودک به استفاده‌ی دقیق‌تر از حس بینایی ترغیب می‌شود.

### ۲-۱-۳. تشبیه بلیغ

تشبیه‌ی که در آن نه وجه شبه ذکر شود و نه ادات تشبیه، تشبیه بلیغ نام دارد (شمیسا، ۱۳۷۹، ص ۶۹). خیال‌انگیزترین ساختار تشبیه در تشبیه بلیغ یافت می‌شود. زیرا ادعای همانندی میان مشبه و مشبه به به حد‌اعلای خود می‌رسد.

### گروه سنی الف، (سال‌های قبل دبستان)

سنگ سنگ کوه  
شبیبه کله قند منم  
کلاه نرم برفیه  
این کوه قد بلند منم  
روی سرم ببین چیه

(شعبان نژاد، ۱۳۸۶، ص ۲۱)

برای آن که پل ارتباطی ذهن کودک از تصاویر شعری گسسته نشود، نخستین گام را شکل ظاهری مشبه و مشبه به قرار داده است. از آن جا که تشبیه بلیغ به نوعی تکامل یافته‌ی تشبیه مجمل به حساب می‌آید در آغاز راه صورت‌مادی اشیاء و پدیده‌ها برای ساخت تشبیه به کار رفته است. اما گاهی نیز برای آن که تشبیه بلیغی به خوبی در ذهن کودک جای گیرد، علاوه بر تاکید به شکل ظاهری، گاهی از یک یا چند تشبیه مفصل یا مجمل به عنوان زمینه ساز و مقدمه برای تشبیه بلیغ استفاده می‌شود.

### گروه سنی د، (سال‌های راهنمایی)

پرنده گفت: عشق  
پرنده بر پل معلقی که روی رودخانه بود خیره شد  
درخت گفت: پل

(شعبان نژاد، ۱۳۸۶ الف، ص ۱۸)

آن چه قدری بیشتر در این تشبیه قابل تامل است، یکی از دو رکن اصلی تشبیه نماد دیگر نیز هست، تشبیه عشق به پل (پوررالخاص، ۱۳۹۲، ص ۴۶-۵۱).

## ۲-۲. بررسی اشعار از زاویه دیدی کودک

شعبان نژاد دز شعرهای کودکانه اش، از نگاه یک کودک به جهان می نگرد و از زبان او حرف می زند، دیگر نمی تواند مثل یک پدر، مادر یا هر بزرگ تر دیگری با کودک برخورد کند. او مثل خود کودک با او حرف می زند و از این روست که حرف هایش برای کودکان، نه پر از نصیحت و پند و اندرز است و نه خشک و خسته کننده. مخاطب به شعرهای او، مثل حرف های دوست شیرین زبانش گوش می دهد و از شنیدن برداشت های شاعرانه ی او که از صمیمیت و سادگی و خیال های کودکانه سرشار است، لذت می برد. در این میان، حتی بزرگ ترها هم وقتی پا به دنیای شعر او می گذارند، مثل خود او با با کودک حرف می زنند و کلامشان از همان جنس است و همان رنگ و بو را دارد، شیرین است و رد پای استدلال های کودکانه در آن دیده می شود.

پدر بوسید من را  
به شوخی گفت: «وز، وز  
ورم کرده دماغت  
شده یک سیب قرمز  
(شعبان نژاد، ۱۳۸۱، ص ۱۷)

آن وقت رفت بابا  
او گفت: «هیس، ساکت  
در را یواشکی بست  
آقا کلاغه خواب است!»  
(همان، ص ۹)

انتخاب همین زاویه دید، باعث می شود که شاعر نیز مثل خود کودک، ارتباط نزدیک تری با طبیعت اطرافش بگیرد و بتواند حتی در حیوانات دوروبرش نیز خصیصه های انسانی پیدا کند. او می تواند مهمان یک بزغاله ی زیبا شود.

با شادمانی صبح ها  
زیرا که من هم می خورم  
من می شوم مهمان او  
از شیر جان مادر او  
(شعبان نژاد، ۱۳۷۷، ص ۶)

و یا شاهد خجالت کشیدن گربه، از ماهی های حوض باشد (صالحی، ۱۳۹۲، ص ۱۲۹-۱۳۰).

از حوض او بیرون پرید  
او پیش ماهی های ما  
این سو دوید، آن سو دوید  
حتما خجالت می کشید  
(شعبان نژاد، ۱۳۸۱، ص ۷)

www.anjomanfarsi.ir

## ۳-۲. تشخیص

تشخیص هم که یکی از زیباترین گونه های صور خیال در شعر و تصرفی است که ذهن شاعر در اشیا و در عناصر بی جان طبیعت می کند و از رهگذر نیروی تخیل خویش به آن ها حرکت و جنبش می بخشد (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۵، ص ۱۴۹)

تشخیص یا جاندار پنداری، نه تنها از گونه های صور خیال در شعر که بخشی از زندگی عادی و طبیعی هر کودکی است. کودک در برخوردهای روزمره ی خود، به محیط اطرافش جان می بخشد، به اجزای آن نزدیک می شود و آنان را مثل یک شخصیت واقعی، در زندگی اش وارد می کند و برای همین است که کودک می تواند ساعت ها پشت یک پنجره بنشیند و به باران چشم بدوزد و خسته نشود. شعبان نژاد هم وقتی از نگاه یک کودک به باران چشم می دوزد، او را جاندار می پندارد و از این خصیصه ی کودک که از عناصر زیبایی شناسی شعر نیز به شمار می رود، کمک می گیرد. او آوای باران را می شنود که مثل دوستی به سراغش می آید، او را صدا می زند و برایش شعر می خواند.

من کنار شیشه هستم  
می نشیند توی ایوان  
می زند باران صدایم  
شعر می خواند برایم  
(شعبان نژاد، ۱۳۷۷، ص ۲۲)

این ویژگی گه گاه این امکان را به شاعر می دهد که به شکلی غیر مستقیم، ارزش هایی را نیز به کودک منتقل کند. او به کودک نمی گوید: «اگر کار بدی کردی، از من فرار نکن، بلکه با شجاعت بایست و بگو که کار بد، کار من بود.» او مثل یک کودک با گریه ای که گلدان را شکسته، حرف می زند و از زبان کودک می گوید (صالحی، ۱۳۹۲، ص ۱۳۱).

بگو ای گریه ی بد  
نماندی تا به آن ها  
چرا در رفته ای زود  
بگویی کار من بود  
(شعبان نژاد، ۱۳۸۱، ص ۱۹)

## ۲-۴. به جای شکستن واژه ها

انتخاب زاویه ی دید کودکانه به شعبان نژاد این امکان را نیز می دهد که با کودک با زبان خودش حرف بزند، از واژه های خود او استفاده کند و کلمات را مثل مخاطبش بر زبان آورد. شعبان نژاد در شعرش، کلمات را به سادگی و روانی در کنار هم می گذارد و در بیش تر موارد نمی گذارد رعایت وزن و قافیه و دیگر ضروریات شعری، دست و پا گیرش شود و زبان کودکانه ی شعرش را دچار اشکال کند.

از صبح زود حتما  
از دست جوجه هایش  
بیچاره کار کرده  
حالا فرار کرده  
(همان، ص ۹)

سلامت زبان، یکی دیگر از ویژگی های شعر شعبان نژاد است. او برای رسیدن به زبان کودکانه، از کلمات شکسته و زبان محاوره استفاده نمی کند، بلکه ترجیح می دهد نحو رسمی زبان را رعایت کند و به جای شکستن واژه ها، با جابجا کردن ارکان جمله، ساخت آن را به زبان گفتار نزدیک کند (صالحی، ۱۳۹۲، ص ۱۳۱-۱۳۲).

ناگهان کیسه ی او  
پاره شد توی هوا  
همه و چیز و همه جا  
پر شد از پنبه ی برف  
(شعبان نژاد، ۱۳۷۷، ص ۱۲)

www.anjomanfarsi.ir

## ۲-۵. درون مایه و مخاطب

اما از آن جاکه شعبان نژاد یک موقعیت را به تصویر می کشد و برداشت و نتیجه گیری از آن موقعیت و تحلیل آن را به مخاطب خویش می سپارد، یک قدم پیش می آید و به شعریت شعر نزدیک می شود. در این جاست که او دست مخاطب را هم می گیرد و با خود رد مسیر شعر خویش همراه می کند، دیدنی ها را نشان می دهد و می گذارد که او نیز در تجربه ای با شاعر شریک شود، با حقایقی که پیش تر برایش نادیده و ناشنیده مانده بوده است، برخورد کند و از کشف این حقایق، به درک عمیق تری از خود و جهان پیامونش دست یابد و این همان چیزی است که از ادبیات و شعر انتظار می رود. شعر با آخرین کلمه به پایان می رسد، اما نمی میرد، بلکه زندگی اش را در ذهن مخاطب خود پی می گیرد. در این شعر شاعر با تصویر یک موقعیت در اجتماع امروز خویش و نقد اجتماعی و نقد رفتاری فردی، نتیجه گیری را به مخاطب شعر وامی گذارد (صالحی، ۱۳۹۲، ص ۱۳۳).

ایستادی و نگاه کردی  
دستی بر جیب زدی، خندیدی  
رفتگی از عرض خیابان آن سو  
توی یک دکه تو چیزی دیدی  
لحظه ای بعد تو بودی و دو چشم  
که به دنبال خودت می بردی

پیش چشمان پر از غصه ی او      بستنی دو قلو می خوردی  
(شعبان نژاد، ۱۳۷۰، ص ۱۲)

## ۲-۶. نمادگرایی

شعر کودک نیز در این بسامد دچار افت و صعود هایی شده و می شود. از آن جمله تغییر یافتن دستورهای لفظی و بیانی است دستورهایی که با شکستن وزن و قافیه شروع شده و هم چنان ادامه می یابد، از جمله این تغییرات، تغییر در رمزینگی و نماد در شعر است به گونه ای که معیارها و نگاه های کودکان تغییر می کند. نمادهای شعر کودک بی شک ماندگارترین خاطره های خوش روزگار انسان هاست. خاطره هایی که در جلوه های آینده زندگی نقش شایان توجهی دارند. الگو هایی ماندگار، سوال برانگیز و دوست داشتنی رویای هر زندگی و اساس اندیشه کودک (جنتی مقدم، ۱۳۸۸، ص ۱۰).

## ۲-۶-۱. نماد عینی

می پرد نرم و سبک توی هوا  
از صدای نفس شاتره ها  
(شعبان نژاد، ۱۳۷۴، ص ۸)  
من اسیر غصه ها شدم  
از خیال خود جدا شدم  
نخل های سبز رفته اند  
خانه های ساکت و بلند  
(شعبان نژاد، ۱۳۷۴، ص ۱۶)

آن طرف سبز قبایی سر صبح  
می پرد نرم و سبک توی هوا

ناگهان دلم گرفت باز  
با صدای بال کفتری  
دیدم از حیاط خانه مان  
پشت شیشه اخم کرده اند

## ۲-۶-۲. نماد حسی

و بوی خوب یک رفتن  
صدایش می چکد در من  
(شعبان نژاد، ۱۳۷۴، ص ۹)

صدای بال می آید  
کسی آواز میخواند

## ۲-۷. درون مایه اشعار

### ۲-۷-۱. توصیف طبیعت

در وصف طبیعت نوع نگرش شاعر به طبیعت و عناصر آن اهمیّت دارد. شاعر کودک این موضوع تربیتی را از یاد نمی برد که نباید اجازه رمزگشایی طبیعت را از کودک بگیرد و لازم است که فرصت تجربه کردن شخصی را برای کودک محفوظ بداند و اجازه دهد تا کودک با حس خود طبیعت را درک کند و از آن لذت ببرد؛ زیرا گاهی شاعر با محدود کردن نگاه کودک به جای او می بیند و احساس می کند. نگاه حسی و آفاقی به طبیعت و عناصر سازنده ی آن در بیشتر اشعار کودکان سرایان نمایان است و در نمونه های برجسته ی آن، احساس شاعر با طبیعت گره می خورد؛ یعنی شاعر احساس خود را در طبیعت می جوید و به نوعی در آن هم حسی می یابد. شخصیت های این اشعار نوعاً شاد، مثبت و پرامیدند و جنبه های منفی و آزاردهنده در آنها نیست. طبیعت در تعامل سازنده با کودک، وجودی مادی و عینی دارد و مانند دوستی مهربان در حیات کودک جاری است. در جهان کودک، تمام طبیعت و عناصر آن پویا و زنده اند و مانند خود او تنها زیبایی های آن را می بینند. طبیعت آنان از غم و درد خالی و از طراوت و تازگی سرشار است (ابراهیمی، ۱۳۸۱، ص ۳۲).

لب دریای خزر	آفتابی شده بود
آسمان در دل آب	صاف و آبی شده بود
آن طرف در دل آب	جشن ماهی ها بود
ساحل و ماسه داغ	تشنه دریا بود
با کف دستانم	ساختم یک کاسه
کاسه کاسه گندم	چشمه ای در ماسه
آب دریا آن دم	کم کم آمد بالا
چشمه کوچک شد	تکه ای از دریا

(شعبان نژاد، ۱۳۸۱ الف، ص ۴۶)

### ۲-۷-۳. مسایل اجتماعی

طرح بعضی از مسائل و معضلات اجتماعی و نیز بیان بسیاری از ناهنجاری های رفتاری در محیط بیرون از خانه و حتی درون آن باید با وسواس کامل همراه باشد. بخش عمده ای از نابسامانی های اجتماعی را نمی توان برای گروه سنی مورد بحث ما مطرح کرد؛ زیرا رشد ذهنی کودک هنوز به اندازه ای نیست که بتواند نسبت به آن ها درست عمل کند. از سوی دیگر، آلوده کردن ذهن معصوم کودک با برخی مسائل و تنگناهای اجتماعی، نتیجه ای جز سوختن زمینه تجربه اندوزی های کودکانه و پاک ندارد. شمار اندک این اشعار در آثار بررسی شده نشانه همین دقت نظر است. از میان معضلات گوناگون جامعه، تنها به پاره ای از آن ها می توان در شعر کودک پرداخت (خسرو نژاد، ۱۳۸۲، ص ۲۱۷).

پدر شبیه کوه	و مادرم شبیه آفتاب
برادرم زلال و مهربان	شبیه قطره های آب
و من نهال یک درخت	که تکیه می دهد به کوه
نیازمند آب	نیازمند آفتاب باشکوه
و خانه چیست	و خانه روستای زندگی است
تو کیستی؟ بگو	به روستای ما خوش آمدی
اگر که دوستی بیا	به جمع باصفای ما خوش آمدی

(شعبان نژاد، ۱۳۹۱، ص ۱۲)

www.anjomanfarsi.ir

### ۲-۸-۸. دنیای شعرهای شعبان نژاد

#### ۲-۸-۱. آپارتمان-خانه

هیچ کدام از بچه های شعرهای خانم شعبان نژاد در آپارتمان زندگی نمی کنند. بیش ترین فاصله ی آن تا طبیعت، به اندازه فاصله بین یک ایوان با باغچه است. فضای زندگی در این شعرها، نه تنها دور که حتی غریبه است. نمی دانم مثلا چند درصد از بچه های آپارتمان نشین یا بچه های شهری می دانند «پاشویه» چیست یا به چه کاری می آید.

مادر لب پاشویه	یک بوسه به رویم زد
یک شانه ی کوچک را	آهسته به مویم زد
بابا لب ایوان بود	من دست تکان دادم
آن شانه ی زیبا را	با خنده نشان دادم

(شعبان نژاد، ۱۳۷۷، ص ۷)



## ۲-۸-۲. زندگی شهری-زندگی روستایی

عناصر زندگی روستایی، در شعر شعبان نژاد فراوان اند، الاغ هایی که گندم به آسیاب می برند، چوپانی که مراقب گوسفند هاست، برداشت محصول، نشستن کنار حوض و ... اما تلاش من برای یافتن نشانه هایی از زندگی شهری، تلاش موفقی نبود.

تنها جایی که از ماشین در شعر او صحبت شده است، شعر «مسافر من» است، آن جا که کودک شعر، یک فرغون کهنه را از انباری خانه شان برمی دارد و خواهرش را به گردش می برد.

می شود او یک مسافر	می شوم راننده ی او
می شود در باد قاطی	خنده ام با خنده ی او
می شود فرغون کهنه	در خیالم مثل ماشین
توی دست انداز صحرا	می رود بالا و پایین

(شعبان نژاد، ۱۳۷۷، ص ۱۱)

## ۲-۸-۳. خانواده هسته ای-خانواده گسترده

آیا شکل آرمانی زندگی خانوادگی، شکل خانواده گسترده است؟ یک حس نوستالژیک به ما قصه های مادر بزرگ، لبخندهای پدر بزرگ و مهربانی های عمو و عمه را یادآوری می کند، اما واقعیت این است که مفهوم خانواده، با نوستالژی های ما همخوانی ندارد و تغییر بسیاری کرده است. در دهه های اخیر، احساسات استقلال طلبانه از سطح ملی، به سطح خردتر خانوار کشیده شده است

بنابراین، حضور مادر بزرگ در خانواده، مثلاً چنان که در شعرهای خانم شعبان نژاد دیده می شود، با واقعیت رایج فاصله ی بسیار دارد (ناصری، ۱۳۸۳، ص ۱۵۱-۱۵۴).

مرغ قشنگم قدقدقا کرد ...

اردک کوچک من کواک کواک صدا کرد

میون حوض خونه ییوآش یوآش شنا کرد

(شعبان نژاد، ۱۳۷۷، ص ۹)

## ۲-۹-۹. موسیقی درونی

### ۲-۹-۱. استعاره

استعاره یکی از مهمترین عناصر زیبایی آفرین در آثار هنری است که علاوه بر ادبیات، در کلیه ی آثار هنری مورد توجه است و شاید به جرأت بتوان گفت که مفصل ترین مباحث تئوریک در دستگاه نظریه ی بیان را به خود اختصاص داده است. مبحث استعاره بحثی بسیار عمیق است که از ارسطو گرفته تا سایر دانشمندان تا قرن حاضر را به خود مشغول ساخته است. استعاره یعنی به عاریت گرفتن چیزی و در کلام یعنی به عاریت گرفتن مفهومی به جای مفهوم دیگر.

باز هم صدای گله ای موج زد میان دره ها

من دوباره غرق می شوم در صدای سبز بره ها

(شعبان نژاد، ۱۳۷۴، ص ۲۰)

که موج زدن صدا، استعاره از پخش شدن می باشد.

استعاره ها کلام را خیال انگیز تر می کنند و در شعر و ادبیات چه ادبیات کودک و نوجوان و چه ادبیات بزرگسال، بسیار حائز اهمیتند. اما برای کودکان استعاره ها، کمی دیرباند و شاید اصلاً مفهوم آنها را نفهمند. این بدان

معنا نیست که برای آنها نباید از استعاره استفاده کرد، نه. برای کودکان گروه‌های سنی پایین‌تر، هر چه کلام ساده‌تر باشد، بهتر است.

### ۲-۹-۲. مجاز

یکی از مباحث مطرح، بحث مجاز است. مجاز نقطه‌ی مقابل حقیقت است. مجاز علایق مختلفی دارد. مثلاً مجاز به علاقه‌ی مجاورت، مجاز به علاقه‌ی جزء و کل و علت و معلول.

### ۲-۹-۲-۱. مجاز با علاقه‌ی مجاورت

یعنی آوردن کلمه‌ای که چون با چیز دیگر مجاورت دارد، آن واژه را در ذهن تداعی می‌کند.

توی شهر خیال من ماهی چتر زیبا و کوچکی دارد  
چتر خور را که می‌گشاید او آسمان تند و تند می‌بارد

(شعبان نژاد، ۱۳۷۴، ص ۱۳)

به جای ابر آمده در حالیکه مجاور ابر است.

### ۲-۹-۲-۲. مجاز با علاقه‌ی جزء و کل

جزئی از چیزی را بیان می‌کنیم و از آن کل آن چیز را اراده می‌کنیم. یا برعکس.

دوباره در دل بشقاب کشتزار می‌روید بهار بر لب پاشویه پرده می‌شوید

(شعبان نژاد، ۱۳۷۴، ص ۹)

کل و جزء: به جای کشتزار، سبزه آورده است.

### ۲-۹-۲-۳. علت و معلول

مجاز علت هر پدیده به جای معلول ذکر می‌شود یا برعکس.

پاییز که از راه رسید  
پرستوها تا دیدنش پریدند  
پاییز دوید و رفت کنار گلها  
گلها همه خوابیدند

رفت توی باغ و گل چید  
ابرا یواش روی زمین چکیدند  
آهسته گفت لالایی لایی لالا  
خواب بهارو دیدند

(شعبان نژاد، ۱۳۷۴، ص ۱۰)

ابر را به جای باران به کار برده است.

به کارگیری مجاز یعنی قرار دادن کلمه‌ای در غیر جایگاه واقعی‌اش، ذهن مخاطب را بیشتر درگیر معنای اصلی کلمه می‌کند و با دریافت معنای واقعی از کلام، لذتی عمیق ذهن مخاطب را پر می‌کند. مجاز و کاربردهای آن برای گروه‌های سنی پایین هم قابل استفاده است و معنای آن درک شدنی است (رضایی، ۱۳۹۲، ص ۱۳۵-۱۴۱).

در آخر اینکه شعبان نژاد از شاعران موفق است که به خصوص در حوزه‌ی خردسالان، توانسته است شعرهای متفاوتی برای مخاطبان خود بسراید، شعرهایی که به اصطلاح امضای شاعر را می‌توان، حتی بدون ذکر نام او، در سطر سطرش پیدا کرد.

### ۳. نتیجه‌گیری

شعبان نژاد با به کارگیری آرایه‌های ادبی ساده و قابل فهم توانسته سبب برتری بخشیدن به زبان شعر و نیز پرورش قوه‌ی خیال‌انگیزی در کودکان شود. از میان این آرایه‌ها، تشبیه می‌باشد که از ساده‌ترین صورت‌های خیال است

که برای خردسالان مناسب به نظر می‌رسد. تشبیه به دلیل ساخت ساده و قابل فهم و ملموس بودن طرفین تشبیه برای کودک، زیبا و قابل درک اند.

شعبان نژاد هم چنین در بسیاری موارد، از عناصر زیبایی شناسانه شعر و صور گوناگون خیال، برای به تصویر کشیدن فضای شاعرانه و در عین حال کودکانه کمک می‌گیرد و هم چنین شاعر با استفاده از ترکیباتی نو فضاهای سوررئال زیبایی می‌آفریند. اما متأسفانه شعرهای او، گاهی در استفاده از ترکیب‌ها و تعبیرات دچار تکرار می‌شود که پیش‌تر از آن که متأثر از دیگر شاعران کودک و نوجوان باشد، متأثر از دیگر آثار خود اوست. شاعر اگر چه در شعرهایی که برای نوجوانان سروده، از ترکیب‌ها و تعبیراتی شاعرانه، استفاده می‌کند، که این ترکیب‌ها با تکرار در دیگر شعرها، کم‌کم تأثیر خود را از دست می‌دهد و تبدیل به شگردی می‌شود که با فرمولی ساده می‌تواند تا بی‌نهایت ادامه پیدا کند. شعبان نژاد همین ترکیبات را نیز بی‌هیچ تغییری در دیگر شعرهایش تکرار می‌کند و برای رسیدن به تعبیراتی تازه و متفاوت که بتواند تأثیری از نوع دیگر بر مخاطب بگذارد، تلاشی نمی‌کند. با این همه، شعبان نژاد شاعر لحظه‌های خوب سادگی و صمیمیت است. او شاعری است که شعر را می‌شناسد و سلاست زبان و روانی کلامش، شیرینی و صفایی بیش‌تر به شعرهایش بخشیده است. او در شعرهایش لحظه‌های ساده و در عین حال دوست‌داشتنی زندگی را دوباره می‌آفریند و چون عکس‌هایی دیدنی به نمایش می‌گذارد. شعر او مخاطب خود را به دنیایی پر مهر و دوستی می‌برد و او را با هستی و جلوه‌های زیبایی آن دیگر بار آشتی می‌دهد. ورق زدن کتاب‌های شعبان نژاد نیز ما را مطمئن می‌کند که او شاعر خوبی است، کلمه‌ها را می‌شناسد و به خوبی از پس آن‌ها بر می‌آید. حتی وقتی به موسیقی نزدیک‌تر می‌شود، شعرهایش زیباتر هم می‌شود.

#### ۴. منابع و ماخذ

- اسکتلن، رابین (۱۳۷۵). حکایت شعر، ترجمه مهر انگیز اوحدی. (چاپ اول). نشر میترا
- ابراهیمی، جعفر (۱۳۸۱). بنگرید به حافظی. انتشارات آگاه
- پورالخاص، شکراله (۱۳۹۲). سیر تشبیه در شعر کودک و نوجوان، فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی. سال ششم. شماره دوم، شماره پیاپی ۲۰
- جنتی مقدم، مژگان (۱۳۸۳). نمادگرایی در شعر کودک در اشعار کشاورز، کیانوش و شعبان نژاد. پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان
- خسرو نژاد، مرتضی (۱۳۸۲). معصومیت و تجربه، تهران: مرکز
- رضایی، سمیه (۱۳۹۲). عناصر خیال در ادبیات کودک و نوجوان، فصلنامه تخصصی نقد ادبی
- شعبان نژاد، افسانه (۱۳۷۰). یک کاسه شبنم، (چاپ اول)، تهران: نشر مدرسه
- شعبان نژاد، افسانه (۱۳۷۴). جشن گنجشکها، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان
- شعبان نژاد، افسانه (۱۳۷۷). چتری از گلبرگها. (چاپ دوم). تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان
- شعبان نژاد، افسانه (۱۳۸۱ الف). رنگین‌کمان کودکان، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان
- شعبان نژاد، افسانه (۱۳۸۱ ب). زنبور و سیب قرمز (چاپ دوم). تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان
- شعبان نژاد، افسانه (۱۳۸۶ الف). پرندۀ گفت شاعرم. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان
- شعبان نژاد، افسانه (۱۳۸۶ ب). ارنگ بگو چه رنگ. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان
- شعبان نژاد، افسانه (۱۳۹۱). سایه‌های مهربان، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان
- شفيعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۵). صور خیال در شعر فارسی (چاپ ششم). تهران: نشر آگاه
- شمیسا، سیروس (۱۳۷۹). معانی و بیان، تهران: انتشارات فردوس
- صالحی، آتوسا (۱۳۹۰). از نگاه مخاطب، مروری بر چهار اثر از افسانه شعبان نژاد، پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان، شماره ۳۸
- محمدی، محمد (۱۳۷۸). ادبیات کودک چیست، مجله‌ی کتاب کودک و نوجوان
- ناصری، معصومه (۱۳۸۳). در شهر اتفاق‌های شاعرانه نمی‌افتد (نگاهی به دنیای شعرهای افسانه شعبان نژاد). پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان، شماره ۳۸



دانشگاه یاسوج



انجمن علمی زبان و ادبیات فارسی

همایش ملی پژوهشهای شعر معاصر فارسی

[www.anjomanfarsi.ir](http://www.anjomanfarsi.ir)